

حسین کمالی، وزیر دولت‌های سازندگی به مناسبت

نهمین سالگرد درگذشت هاشمی رفسنجانی در گفت‌وگو

با «ایران» از سیر تکاملی مواضع او می‌گویید

مرد تصمیم‌های بزرگ مقبول چپ و راست



آخر برخوردار شدند؛ رابطه ایشان با جامعه و نهادهای اجتماعی نیز متفاوت شد. در بخشی از موضوعات که نیاز به تصمیم‌گیری‌های قاطع، سریع و جدی بود، همان جدیت و قاطعیت را حفظ کردند، لیکن در تصمیم‌گیری‌های دیگر در سال‌های آخر، بیشتر تأمل می‌کردند، زمان بیشتری را به مطالعه و تحقیق اختصاص می‌دادند، بیشتر می‌شنیدند و سپس تصمیم می‌گرفتند. به هر حال، ایشان در مجموع برای مسئولیت‌های خود اهمیت قائل بودند، وقت می‌گذاشتند و سعی می‌کردند خود در تمام صحنه‌ها حضور یابند و از آنچه در صحنه جریان دارد، مطلع باشند و حتی المقدور به عینۀ وقایع و تحولات آن نگاه می‌کردند.

در دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال‌های تثبیت و مدیریت نظام، نقشی تعیین‌کننده در تصمیم‌سازی‌های کلان کشور ایفا کرد و در عین حال سیر فکری و رفتاری او نشان‌دهنده یک تحول تدریجی مبتنی بر تجربه بود. هاشمی رفسنجانی از معدود چهره‌هایی بود که میانه‌روی، واقع‌نگری و نگاه آینده‌محور را به‌عنوان مبنای حکمرانی خود برگزید و همین رویکرد جایگاهی متفاوت برای او در تاریخ سیاسی ایران رقم زد. به همین مناسبت گفت‌وگو کرده‌ایم با حسین کمالی که سابقه وزارت در هر دو دولت مرحوم هاشمی را در کارنامه خود دارد.

به نظر شما مهم‌ترین شاخصه سیاسی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی چه بود؟ شیوه دولت‌داری یا الگوی حکمرانی او بر پایه چه مؤلفه‌های مهمی استوار بود؟

مشخصات فکری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال‌های ابتدای پیروزی انقلاب با سال‌های پایانی فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایشان و سال‌های آخر مدیریت‌شان متفاوت بود و ایشان سیر تکاملی را طی کردند و از پختگی و جامعیت بیشتری در سال‌های

واقع‌نگری و اعتدال؛ مؤلفه‌های ماندگار در حکمرانی آیت‌الله هاشمی

یادداشت

غلامعلی رجایی

مشاور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

برجسته‌ترین ویژگی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که در ساخت حکمرانی و اداره دولت به‌روشنی نمود داشت، خصلت «واقع‌گرایی و واقع‌نگری» بود. ویژگی‌ای که در کنار آن منش و روش اعتدال و میانه‌روی نیز شکل گرفت و باعث شد بسیاری آیت‌الله هاشمی را پرچمدار عقلانیت و اعتدال در نظام سیاسی جمهوری اسلامی بدانند. البته این بحث دامنه‌ای گسترده دارد و محدود به یک حوزه خاص نیست، چراکه واقع‌نگری هاشمی در عرصه‌های مختلفی همچون فرهنگ، سیاست، اقتصاد و به‌ویژه روابط خارجی تأثیرگذار بود و در بسیاری از بزنگاه‌ها به کشور کمک کرد تا بحران‌ها را یا پیش‌بینی کند یا با کم‌ترین هزینه از آنها عبور دهد.

نگاه آیت‌الله هاشمی نگاهی معطوف به آینده بود. او از جمله شخصیت‌هایی بود که در حساس‌ترین مقاطع، دغدغه ثبات و تداوم نظام را داشت. نمونه روشن آن، پیشنهادهایی است که در سال‌های پایانی حیات امام خمینی (ره) مطرح کرد؛ از جمله ضرورت تعیین تکلیف رهبری

آینده، حل اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان از طریق ایجاد نهادهی چون مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز توجه به مسأله روابط با آمریکا. این موارد نشان می‌دهد که ذهن او همواره فراتر از لحظه حال، متوجه آینده کشور و نظام بود. همچنین در حوزه سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای هاشمی رفسنجانی بر این باور بود که ظرفیت‌های منطقه باید به‌درستی شناسایی و به کار گرفته شود و این ظرفیت‌ها نباید به خصومت و تقابل دائمی تبدیل شوند. استدلال او روشن بود: جمهوری اسلامی نباید چه در داخل و چه در روابط خارجی، وارد دعواهای

هاشمی رفسنجانی سیاست تعدیل اقتصادی و کاستن از بار دولت را آغاز کرد. با وجود مخالفت‌های متعدد ولی الان اکثراً به این جمع بندی رسیده‌اند که باید اصلاحات اقتصادی در همان زمان انجام می شد. مخالفت‌ها با برنامه هاشمی آیا هزینه‌ای بر کشور بار نکرد؟

همان موقع نیز این اشکال وجود داشت، همان اشکالی که اکنون نیز هست و آن موقع هم بود؛ اصلاح ساختار اقتصادی که اکنون آن را تعدیل یا هر نام دیگری می‌نهند، در دستور کار دولت قرار گرفت و پس از آن، افزایش قیمت‌هایی رخ داد، نارضایتی در جامعه پدید آمد، در چند منطقه تجمعی شکل گرفت و اعتراضاتی بروز کرد. البته من دقیقاً به یاد دارم؛ خود با آقای هاشمی در آن موضوع گفت‌وگو کردم و ایشان مخالف هرگونه برخورد با معترضین بودند- یعنی این را به من گفته بودند- اما- در مجموع، آن موقع مدیران در آن سطح نسبت به برخی نیازمندی‌های جامعه کم‌کاری کردند. یعنی می‌شد اصلاح ساختار اقتصادی را همراه با بهبود وضعیتی در نظر گرفت و به طبقات ضعیف و فقیر توجه کرد. آقای هاشمی در سال‌های آخر حیات‌شان، لایحه مقرر ی بیکاری عمومی را به تصویب رساندند تا کسانی که بیکارند و درآمدی ندارند، بتوانند زندگی‌شان را از محل مقرر ی بیکاری بگذرانند، لیکن آن لایحه در مجلس باقی ماند و از بین رفت، یعنی جدی گرفته نشد و کنار گذاشته شد. در حال حاضر نیز که اصلاح ساختار اقتصادی را در دستور کار قرار داده‌اند، اصلاً به این نیتند پیشه‌ایند که درآمد کسانی که قرار است در این ساختار زندگی کنند چیست و چگونه باید امرار معاش نمایند، به درآمد جامعه نیندیشیده‌اند؛ فکر نکرده اندکه فرد بیکار چگونه باید انکسور زندگی‌اش را تنظیم کند، یا کسی که حقوق اندک می‌گیرد، جمعی از مردم که امروز زیر خط فقرند، چگونه باید در این تغییر سیاست‌های ریزی زندگی‌شان را اداره کنند. می‌شد همین برنامه‌ها را به شکل منطقی تری تنظیم کرد تا هم اصلاح ساختار اقتصادی صورت گیرد و هم مردم آسیب نبینند؛ متأسفانه دولت عقلی نیز همان اشتباه را تکرار می‌کند و احتمالاً نتیجه خوبی از آن حاصل نخواهد شد.

تغییر مواضع جریان‌های سیاسی نسبت به هاشمی از حمایت به مخالفت یا بر عکس، بر چه پایه‌ای بود؟ تغییر منشی هاشمی یا اقتضائات تحولات سیاسی روز؟ این تکاملی است. در سال ۱۳۵۷ ایشان جوان بودند و تجربه حکومت‌داری نداشتند؛ جامعه را مدیریت نکرده بودند، اما در سال‌های آخر حیات‌شان، کوله‌باری از علم و تجربه همراه خود داشتند. پس این تغییر موضع ایشان منطقی و عقلانی بود. بخش زیادی از همراهمی و موافقت با ایشان در سال‌های اولیه انقلاب به مواضع هاشمی در مبارزات قبل از انقلاب و مواضع و مسئولیت‌هایشان بعد از انقلاب برمی گشت. بعدها که موضوع متفاوتی از ایشان مشاهده کردند، از ایشان فاصله گرفتند و گاه علیه ایشان ایستادند و در جهت تخریب ایشان تلاش کردند. گروه‌هایی که با ایشان همراهی کمی داشتند، بعدها که مواضع ایشان را روزبه‌روز مردمی‌تر دیدند و فاصله‌شان با جامعه کمتر و نگاه‌شان مردمی‌تر شد، به ایشان نزدیک‌تر شدند. به هر صورت، تغییراتی که در تفکر، اعمال و رفتار ایشان پدید آمد، برخی از دوستان‌شان را به مخالفین و برخی از مخالفین‌شان را به دوستان‌شان تبدیل کرد، اما در مجموع، شخصیتی بودند که در کلیه جریان‌های سیاسی از چپ تا راست، مقبولیت نسبی داشتند، برخلاف سایرین که کاملاً خط کشی شده بودند.

و واردات هم باید باز باشد و باید اجازه داد رقابت داخلی و خارجی صورت گیرد. اگر قیمت‌ها در حال افزایش است، نباید اعتراض و اعتصاب را ممنوع کرد. باید کارگر، کارمند و هرکسی که در هر جایی مشغول به کار است، بتواند اعتراض کند و تقاضای زندگی بهتری داشته باشد. اگر قرار است اقتصاد آزاد باشد، همه چیز مرتبط با آن باید آزاد باشد.

اکنون نیز رادیو و تلویزیون به جای آنکه تعدادی از کسانی که محور اعتصابات

صنعی بودند را دعوت کند تا حرف‌ها و مطالباتشان را بیان کنند، یکسری افرادی را

می‌آورد که هیچ ارتباطی با موضوع ندارند.

بگذارید نمایندگان اصناف و معترضین در

صدا و سیما حرف‌شان را بزنند تا فضا آرام

شود نه اینکه مدام معترضین را آتش‌بکر

و عامل جراحی خواند. به هر حال به

نظرم دولت چهاردهم هم باید نیم‌نگاهی

به تجارب دولت‌های گذشته در انجام

اصلاحات داشته باشد و ضعف‌ها و

کوتاهی‌های گذشتۀ را تکرار نکند.

بعد از درگذشت آیت‌الله هاشمی فکر می‌کنید کسی توانسته جای ایشان را در عرصه مدنی و حاکمیتی پر کند؟ به نظر من که نه.

دلیل آن چه می‌تواند باشد؟ چون ایشان فردی خردگر با بودند و برای حل و فصل مسائل به علم، اطلاع و عقل رجوع می‌کردند. بسیاری از تصمیماتی که در سال‌های اخیر گرفته شده به نظر من عقلانی نبوده است. در حقیقت ناترازی بیشتری ما در مدیریت و سیاست‌گذاری عیلتی از سایر ناترازی‌هاست. من در چندین مصاحبه پیش از این نیز گفته‌ام؛ مادر همه ناترازی‌های ما- چه آب، چه برق، چه گاز، چه نفت، چه بانک، چه پودجه و هر چیز دیگری- ناترازی عقلی است.

اینکه در مواقع بروز بحران‌ها گفته می‌شود جای خالی آقای هاشمی احساس می‌شود، ناظر بر چه واقعیت‌هایی است؟

ایشان در او‌اخر جنگ تحمیلی عراق به این نتیجه رسیدند که جنگ نباید ادامه یابد و کشور شرایط ادامه آن را ندارد؛ خود را که کشنرین فرمانده کل قوا در جنگ بودند، در خطر قرار دادند و آبروی خود را نیز به میان آوردند. می‌توانست از این ناحیه آسیب ببیند اما مسئولیت پذیرفتند و جنگ را به خاتمه رساندند. در مورد بگرام نیز ایشان بسیار مصرو جدی ایستادند و حمایت کردند تا بگرام تصویب شود. منظور من نیست که بگرام دستاورد بسیار خوب و درستی داشت یا نداشت، منظور من است که ایشان مرد تصمیم‌های بزرگ بودند و امروز نیازمند تصمیم‌های بزرگ هستیم و شخصیت‌هایی که توانایی چنین تصمیم‌هایی را نداشته‌باندند.

مرحوم هاشمی ایده‌آل‌های خودشان را داشتند ولی در کنار این ایده‌آل‌ها، به واقعیت هم توجه داشتند که آیا قابل دسترسی هست یا خیر. هر وقت می‌دیدند که نمی‌توانند به خاطر کاستی‌ها و کمیودها و مشکلاتی که وجود دارد به نتیجه مطلوب برسند، موضوع را صریح به مردم می‌گفتند و سعی می‌کردند مردم رادر جریان قرار دهند و آنها را با خودشان همراه می‌کردند.

اگر بر اصلاحات مد نظر اصرار می‌شد و در همان زمان با همراهی دیگر نه‌آ‌ها به انجام می‌رسید، فکر نمی‌کنید خیلی از ناترازی‌ها و مشکلات در همان دوران برطرف می‌شد؟

در همان زمان هم اعتراضات و مشکلات پیش آمد. آن فرسول، کامل نبود. باید چه می‌کردند؟ مثلاً فرض کنید قیمت‌ها را می‌خواهید آزاد کنید، از راکت‌نرخ می‌کنید، آزاد کنید تا در جامعه فعالیت‌های اقتصادی مختلف به طور آزادانه صورت گیرد. نمی‌شود بخشی را بسته نگه دارید و بخشی را باز کنید؛ مثلاً واردات و صادرات نمی‌تواند بسته باشد. اگر اقتصاد آزاد است، صادرات

کلان نظام بر منافع شخصی است؛ امری که ریشه در همان واقع‌نگری و دوری از افراط دارد. علاوه بر واقع‌نگری معطوف به آینده، مقابله جدی با تندروی و افراط، مشخصه بارز دیگر آن مرحوم بود. او افراط‌گرایی را «ویروس کشنده‌ای» می‌دانست که می‌تواند پیکره جامعه و نظام را از درون فرسوده و نابود کند. خطری که به باور او حتی از طاعون نیز مهلک‌تر است، به همین دلیل، در خطبه‌های نماز جمعه تهران بارها و بارها بر ضرورت اعتدال، عقلانیت و پرهیز از تندروی تأکید می‌کرد. همین رویکرد باعث شده بود در سطح بین‌المللی نیز شهره‌ای قابل قبول از او شکل بگیرد. بسیاری از ناظران خارجی آیت‌الله هاشمی را سیاستمداری می‌دانستند که دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران را بر پایه انصاف، میانه‌روی و تعادل عقلانی پیش می‌برد. این ضرور

نتیجه سال‌ها تجربه، شناخت دقیق از مناسبات جهانی و درک واقع‌بینانه از موقعیت ایران در جهان اسلام بود.

آیت‌الله هاشمی از جمله چهره‌هایی بود که مسیر زندگی سیاسی‌اش، از دهه‌های ۳۰ و ۴۰ شمسی و ورود به حوزه علمیه و آشنایی با امام خمینی (ره) آغاز شد، با زندان و مبارزه ادامه یافت و پس از پیروزی انقلاب، به مسئولیت‌های کلیدی در نظام انجامید. او تقریباً تمامی مناصب مهم جمهوری اسلامی از ریاست مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری گرفته تا ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان رهبری را تجربه کرد و تنها قوه قضائیه از کارنامه مدیریتی او خارج بود. این انباشت تجربه به او پختگی و کارآمدی خاصی بخشیده بود که در تحلیل شرایط داخلی و بین‌المللی به‌وضوح دیده می‌شد. درک هاشمی از واقعیت‌های جهان اسلام نیز مبتنی

● اخبار

فرمانده کل ارتش در واکنش به ادبیات تهدیدآمیز دشمنان:

تهدید علیه ایران بدون پاسخ نمی‌ماند



حضور در جمع دانشجویان دوره ۸۶ دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران (دافوس)، فرصتی بود تا امیر سرلشکر امیر حاتمی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران، تحلیل و ارزیابی خود به عنوان فرمانده ارشد نیروهای مسلح از وضعیت بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی را ارائه دهد. امیر حاتمی، در ابتدای سخنان خود، دوره کنونی جهان را دوران تلاش برای «شکل‌گیری نظم نوین جهانی» توصیف کرد و افزود که این تلاش‌ها چالش‌های امنیتی گسترده‌ای برای جهان، مناطق مختلف و کشورهای مستقل ایجاد کرده و نوعی بی‌ثباتی و ناامنی را به همراه داشته است.

فرمانده کل ارتش در ادامه، به تحولات تاریخی منطقه غرب آسیا اشاره کرد و فروپاشی امپراطوری عثمانی و تأسیس رژیم صهیونیستی را از جمله اقدامات قدرت‌های جهانی در این منطقه از دنیا برشمرد. وی با استناد به اظهارات جو بایدن، رئیس جمهوری پیشین آمریکا پس از عملیات طوفان الاقصی که گفته بود «اگر اسرائیل نبود هم ما باید آن را ایجاد می‌کردیم»، آن را پاسخی روشن به پرسش بسیاری دانست که حمایت بی‌قیدوشرط می‌کند. با این توضیحات بود که امیر حاتمی تأکید کرد: «رژیم صهیونیستی در واقع پایگاه مقدم و نیابتی غرب است و موجودیت آن برای قدرت‌های غربی از اهمیت حیاتی برخوردار است.» فرمانده کل ارتش در ادامه، ملت و رهبری معظم انقلاب اسلامی را دو منبع اصلی قدرت و ارکان استوار ایران برشمرد و تصریح کرد که «دشمنان بیش از هر چیز این دو رکن را مورد کینه و دشمنی قرار داده‌اند.» وی همچنین تحریم‌های ظالمانه را بخشی از برنامه دشمن برای وارد کردن آسیب اقتصادی به مردم توصیف کرد و افزود که «هرچند ایران مانند همه کشورها مشکلاتی دارد و باید برای اصلاح آنها اقدام کند، اما تمرکز ویژه دشمن بر آسیب‌رساندن به مردم نباید مورد غفلت قرار گیرد.» بخش بعدی سخنان امیر حاتمی به حوادث روزهای اخیر در برخی از شهرهای کشور اختصاص داشت. وی با یادآوری این واقعیت که «اعتراض در هر کشوری امری طبیعی است»، اظهار کرد: «اما تبدیل سریع اعتراض به اغتشاش غیرمعمول و برنامه‌ریزی شده توسط دشمنان است. فرمانده کل ارتش در همین رابطه اعتراضات صنفی قاطع‌تر را کاملاً بی‌ارتباط با دخالت‌های رئیس جمهوری آمریکا و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی دانست و با یادآوری رفتار مردم، گفت: «رفتار مردم عزیز ما نقطه‌ای درخشان در این حوادث بود و مردم بسیار هوشیار عمل کردند. مردم با وجود اعتراض‌شان حاضر نشدند کنار اغتشاشگران قرار بگیرند و صف خود را جدا کردند و در قاب مدنظر رئیس جمهوری آمریکا و نخست‌وزیر رژیم منحوس صهیونیستی قرار نمی‌گیرند.»

امیر سرلشکر حاتمی در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه کشورمان، تأکید کرد که «این جنگ، علل دوردست و ریشه‌های آن باید بررسی شود تا ما با مشخص سازی موقعیت خود و دشمن، بتوانیم آینده خویش و نقشه‌های دشمن را بهتر زبنی‌وند. در حاشیه جلسه دبیران کل احزاب کشور با موضوع انتخابات شوراها که در وزارت کشور برگزار شد، افزود: «همه احزاب، فارغ از گرایش‌های سیاسی خود در برخی مسائل تقاهم‌مشترک داشتند؛ از جمله تأکید بر مشارکت در انتخابات و تلاش برای معرفی افسراد متخصص و توانمند جهت تصاحب کرسی‌های شورا و مدیریت شهری. همچنین درباره مسائل جاری، نظرات را صریح خود را مطرح کردند.» رئیس ستاد انتخابات ادامه داد: «همه احزاب بر حق اعتراض مردم تأکید داشتند و توصیه و تأکید آنها به دولت این بود که حتماً باید ضمن معترضین شنیده شود و در مدیریت جمععاتی که به دلیل مسائل صنفی و معیشتی شکل می‌گیرد، باید کنار مردم بود و حرف مردم شنیده شود. همچنین همه احزاب به‌صورت صریح بر تفکیک دو موضوع تأکید داشتند: نخست، اعتراضات معیشتی مردم و اعتراضات جاری که بعضاً ممکن است به اغتشاش کشیده شود که همه این موضوع را محکوم کردند، و دوم، محکومیت جدی دخالت خارجی در امور داخلی ما.»

معاون سیاسی وزیر کشور خبردار: نهایی شدن طرح ساماندهی تجمعات



معاون سیاسی وزیر کشور گفت: «با تعامل مجلس شورای اسلامی، طرح ساماندهی تجمعات راذیل اصل ۲۷ قانون اساسی نهایی کردیم و منتظریم که برای تصویب در دستور محن مجلس قرار گیرد.» به گزارش ایرنا، علنی زبنی‌وند در حاشیه جلسه دبیران کل احزاب کشور با موضوع انتخابات شوراها که در وزارت کشور برگزار شد، افزود: «همه احزاب، فارغ از گرایش‌های سیاسی خود در برخی مسائل تقاهم‌مشترک داشتند؛ از جمله تأکید بر مشارکت در انتخابات و تلاش برای معرفی افسراد متخصص و توانمند جهت تصاحب کرسی‌های شورا و مدیریت شهری. همچنین درباره مسائل جاری، نظرات را صریح خود را مطرح کردند.» رئیس ستاد انتخابات ادامه داد: «همه احزاب بر حق اعتراض مردم تأکید داشتند و توصیه و تأکید آنها به دولت این بود که حتماً باید ضمن معترضین شنیده شود و در مدیریت جمععاتی که به دلیل مسائل صنفی و معیشتی شکل می‌گیرد، باید کنار مردم بود و حرف مردم شنیده شود. همچنین همه احزاب به‌صورت صریح بر تفکیک دو موضوع تأکید داشتند: نخست، اعتراضات معیشتی مردم و اعتراضات جاری که بعضاً ممکن است به اغتشاش کشیده شود که همه این موضوع را محکوم کردند، و دوم، محکومیت جدی دخالت خارجی در امور داخلی ما.»

۲ شهید در حمله مسلحانه به پلیس در لردگان

در حمله مسلحانه به پلیس در لردگان ۲ نفر شهید شدند. به گزارش ایرنا، در این درگیری که از حوالی ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه جمعی از کسبه با تعطیل کردن مغازه‌های خود شروع به تجمع و سر دادن شعار در چند خیابان لردگان کردند، هسته اولیه جمعیت حدود ۳۰۰ نفر برآورد می‌شد. در این گزارش آمده، در جریان این درگیری بین اغتشاشگران و کارکنان فرارچا در شهرستان لردگان ۲ نفر از کارکنان انتظامی به هویت «هادی آذر سلیم» و «مسلم مهدوی نسب» به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.